



مسائل و مشکلات حوزه کتاب

علتیابی بحران در صنعت کتاب و نشر

این گزارش توسط دفتر مطالعات فرهنگی معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در خردادماه ۱۳۹۴ تهیه شده است. گزارش حاضر تلاش می‌کند از طریق تحلیل مطالب مطروحه از سوی متخصصان امر صنعت نشر و کتاب، چالش‌های این حوزه را در سه سطح کلان، میانی و خرد آسیب‌شناسی نماید.

صنعت نشر و کتاب از جمله وجوه مهم اقتصاد فرهنگ به شمار می‌رود و بر این اساس شناسایی چالش‌ها و معضلات در این حوزه کمک شایانی به حل معضلات اقتصاد فرهنگ می‌نماید به‌ویژه اگر بدانیم که «مشکلات این حوزه فرهنگی به قدری میان صاحبان این عرصه پررنگ و شناخته شده است که با عناوینی همچون بحران کتاب و یا رکود کتاب از آن یاد می‌نمایند.» (صفحه ۳)

روش پژوهش

با توجه به هدف اصلی این پژوهش یعنی ریشه‌یابی دلایل بروز و تداوم بحران در صنعت نشر و کتاب، روش کیفی در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است که معقول و منطقی به نظر می‌رسد.

روش جمع‌آوری داده‌ها

برای پژوهش حاضر، با توجه به سؤالات تحقیق، تلاش شد که ضمن استفاده از منابع و ادبیات موضوعی تولید شده به متخصصان عرصه نشر مراجعه و مصاحبه‌هایی با آنان انجام شود. در واقع دو روش انجام مصاحبه با متخصصان در کنار مطالعه متون و اسناد گردآوری شده، دو روش جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش محسوب می‌شوند. (صفحه ۱۰)

روش تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌ها و متون، از روش گرندد تئوری (نظریه زمینه‌ای) استفاده شده است. نظریه زمینه‌ای، روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را به‌جای استنتاج از پیش فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود، به‌طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند. (صفحه ۱۰)

منظور از سطح کلان، سطحی از حیات اجتماعی است که در آن ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی پهن دامنه قرار گرفته‌اند. (صفحه ۱۲)

ضعف فرهنگ کتاب‌خوانی ضعف کتاب‌خوانی: نگاهی به آمارهای مربوط به سرانه مطالعه در کشور، حاکی از پایین بودن چشمگیر این سرانه در ایران و نسبت به سایر کشورهاست. آمارهای رسمی و قابل‌اعتماد میزان سرانه مطالعه را بیشتر از ۲۰ دقیقه در روز گزارش نمی‌دهند. (صفحه ۱۲) یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید: در نمایشگاه استانی که ۲۰ درصد ناشر تخفیف می‌دهد و ۲۰ درصد هم ارشاد تخفیف می‌دهد، باز هم تعداد زیادی کتاب می‌ماند و مردم زیاد نمی‌خرند. (صفحه ۱۳)

نهال نوپای فرهنگ مکتوب و تقابل آن با فرهنگ تصویری: از میان نظریاتی که تبیین‌کننده ضعیف بودن فرهنگ مطالعه در کشور هستند، می‌توان به غلبه نیافتن فرهنگ مکتوب بر فرهنگ شفاهی اشاره کرد. نعمت‌اله فاضلی در این باره می‌نویسد: جامعه ایرانی در آستانه یک گذار قرار گرفت، گذر از فرهنگ شفاهی به فرهنگ نوشتاری. اتفاقی که در این میان افتاد این بود که قبل از اینکه این فرهنگ تثبیت گردد و در جامعه ایران عمومی شود، متأسفانه تلویزیون و مدتی بعد اینترنت از راه رسیدند. اینترنت و تلویزیون به‌عنوان اصلی‌ترین نظام‌های تولید، تکثیر و مصرف تصویر فرصت نهادینه شدن و درونی شدن فرهنگ نوشتار را از جامعه ایران گرفتند. (صفحه ۱۳، به نقل از فاضلی، ۱۳۹۲: ۱۷۰)

علت‌یابی بحران کتاب در سطح میانی

منظور از سطح میانی، در نظر گرفتن مجموعه عوامل دخیل در بحران کتاب از جمله نهادهای صنفی، سازمان‌های تحقیقاتی، مؤلفان، ناشران، کتاب‌فروشی‌ها و... است. (صفحه ۱۴)

نارسایی در قوانین اهل قلم: مشمول مشکلات این قسمت، صرفاً به ضعف در مواد قانونی محدود نمی‌شود، بلکه مشکلات شناسایی شده فراتر بوده و مشکلات عرصه قانون‌گذاری و اجرایی شدن آنها را نیز دربر می‌گیرد. یکی از صاحب‌نظران در مصاحبه در این باره می‌گوید: از نظر حقوقی و قانونی ما هنوز نه متولی درست و درمانی برای بحث حقوق اهل قلم و قوانین مرتبط با اهل قلم داریم و نه مجلس و کمیسیون فرهنگی تا حالا اقدام جدی برای شناخت اهل قلم ایران انجام داده‌اند. حقوق اهل قلم ایران برای سال ۱۳۴۸ است و از آن موقع تا حالا یک‌بند آن عوض نشده است. در مقابل، مصاحبه‌شونده دیگری، همین قوانین فعلی را برای حل بحران‌های کتاب کافی دانسته و معتقد بود، آنچه قوانین کتاب را سخت و غیرشفاف می‌کند، عدم درست اجرا کردن آنهاست. (صفحه ۱۴)

ضعف سازمان‌های میانی و مستقل از دولت: بسیاری از متون تحلیل شده و مصاحبه‌های انجام شده بر ضعیف بودن نهادهای میانی بر بهبود وضعیت کتاب دست گذاشته‌اند. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که آنچه متخصصان از نهادهایی میانی انتظار دارند، در طیفی از نهادهای خصوصی و صرفاً اقتصادی تا مؤسسات فرهنگی، مجلات و

نشریات حوزه کتاب و «ان‌جی‌اوها» و خیریه‌های مربوط به این حوزه می‌گنجد. به‌طورکلی نهادهایی که هم به اطلاع‌رسانی در عرصه کتاب پردازند و هم با نقد این عرصه، بتوانند عرصه‌ای را برای معرفی و نقد کتاب و بازتاب کتاب خوب در بازار ایجاد نمایند. (صفحه ۱۵)

کتابخانه‌های عمومی: به اعتقاد بعضی از صاحب‌نظران، چنانچه برای ترویج و رونق کتابخانه‌های عمومی اقداماتی انجام شود، می‌توان انتظار داشت که فشار گرانی کتاب بر افراد کم شده و از این طریق هم سرانه مطالعه افزایش یابد و هم بخشی از نیازهای متخصصان و کتاب‌خوانان حرفه‌ای برطرف گردد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید: در غرب هم این کتاب‌ها (کتاب‌های دانشگاهی) گران است، یعنی آنجا هم دانشجو نمی‌تواند بخرد. برای همین چیزی به نام کتابخانه در کنار هر مرکز آموزشی ایجاد شده است که این نیاز مطالعاتی این‌ها را رفع و رجوع بکند. (صفحه ۱۶)

علت‌یابی بحران کتاب در سطح خرد

در سطح خرد، رفتار کنشگر در عرصه کتاب بررسی می‌شود. این کنشگران مجموعه ناشران، مؤلفان، کتاب‌فروشان و... را دربر می‌گیرند. (صفحه ۱۶)

مؤلفان: به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان، بسیاری از مؤلفان بدون داشتن کمترین شناخت و ارتباطی با مخاطبان خود، دست به خلق و ایجاد آثار خویش می‌زنند. نتیجه چنین اقدامی، بیگانه بودن مخاطبان با کتاب‌های تولیدی و عدم انگیزه آنان برای خرید آن‌هاست که در نهایت در کاهش خرید کتاب در کل جامعه خود را نشان می‌دهد. علاوه بر این مسئله، موضوع دیگر توفیق یافتن ترجمه بر تألیف است که منجر به ضربه زدن به کتب تألیفی و بازار آنها می‌شود. از مشکلات اساسی دیگر، باید به عدم تناسب میان هزینه‌های مؤلف با دستمزد وی اشاره کرد. (صفحه ۱۷)

ناشران: از مسائلی که به نظر بعضی از صاحب‌نظران در این حوزه وجود دارد، سود اقتصادی اندک و درآمد پایین ناشران است. از مسائل اساسی دیگر، باید به اعطای بدون ضابطه پروانه نشر توسط دولت و افزایش ناشران غیرحرفه‌ای است. نتیجه اعطای بدون ضابطه پروانه نشر، زیاد شدن تعداد عناوین منتشرشده به‌رغم شمار پایین کتاب‌ها است. از دیگر مسائلی که به‌زعم بسیاری از مشکلات اساسی حوزه نشر قلمداد می‌شود، مسئله ممیزی است. مصاحبه‌شوندگان، وجود ممیزی را در صنعت نشر طبیعی و حتی لازم می‌دانستند؛ اما عواملی همچون مبهم بودن قوانین آن، وجود دستورالعمل‌های مختلف در اجرایی کردن آن، سلیقه‌ای و سیاسی شدن آن و... را از عوامل ایجادکننده بحران در این مسئله ذکر کردند. (صفحه ۱۹)

چاپ‌کنندگان: مصاحبه‌شوندگان، از مشکلات این حوزه، به ضعیف بودن صنعت چاپ و نبود تکنولوژی‌های پیشرفته در آن اشاره کردند. (صفحه ۱۹)

توزیع‌کنندگان: عمده مشکلات این بخش به تمرکز بسیاری از توزیع‌کنندگان در تهران و ضعف سیستم‌های پخش در سایر استان‌ها و شهرستان‌ها مربوط می‌شود. (صفحه ۲۰)

کتاب‌فروشان: اولین مشکلی که در مصاحبه‌ها، کتاب‌فروشان به آن اذعان داشتند، سود اقتصادی اندک کتاب‌فروشی بود. علاوه بر این، اگرچه تعداد کتاب‌فروشی‌ها نسبت به ناشران اندک بوده و به نظر می‌رسد این تعداد اندک می‌تواند میزان زیادی از بازار را پوشش دهد، اما عدم توجیه اقتصادی کتاب‌فروشی، باعث کم رونقی این حرفه و عدم اقبال به سمت آن گشته است، به طوری که به گفته رئیس اتحادیه ناشران، حدود ۴۵ درصد از درآمد ناشران از نمایشگاه کتاب تأمین شده و نمایشگاه کتاب به محلی برای ضرر رساندن به کتاب‌فروشی‌ها بدل شده است. (صفحه ۲۰)

مخاطبان: پایین بودن سرانه مطالعه و نخریدن کتاب توسط مخاطبان، مهم‌ترین مسائل شناسایی‌شده در این

سطح است. از طرفی دیگر بعضی از صاحب نظران، مشکل کتاب نخریدن را نه مسئله مخاطبان، بلکه بحرانی کلی‌تر می‌دانند که منجر به نبود کتاب خوب در بازار، بی‌اعتمادی مخاطبان به کتاب و تجربه منفی ایشان از خرید کتاب‌های خوب و باکیفیت شده است. (صفحه ۲۱)